

کتاب شریعت

لیبر ال - ۲۲۰

دیگته شده توسط:

۴۱۸ - آیواس

بر:

۶۶۶ - استاد اعظم

(آلیستر کراولی)

این کتاب ترجمه ای است از:

**Liber AL vel Legis**

SUB FIGVRÂ

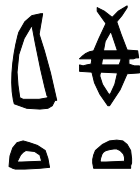
CCXX

As Delivered by

XCIH=418

VNTO

DCLXVI



— ۱۱ —



# کتاب شریعت



این کتاب ترجمه ای است از:

[The Book Of the Law / Liber AL vel Legis](#)

ترجمه: سپند ([Zepand@gmail.com](mailto:Zepand@gmail.com))

مرداد ۱۳۸۴

July 2005



دیکنته شده در:

۸،۹ و ۱۰ آوریل ۱۹۰۴

چاپ اول:

نه ماه قبل از وقوع جنگ بالکان که خاور نزدیک را در هم کوبید، ۱۹۱۲

چاپ دوم:

نه ماه قبل از وقوع جنگ جهانی اول، که غرب را در هم کوبید.

چاپ سوم:

نه ماه قبل از وقوع جنگ چین و ژاپن که خاور دور را در هم کوبید.

چاپ چهارم:

نه ماه قبل از وقوع جنگ جهانی دوم که تمدن را در هم کوبید.

## دییاجه ای برای فارسی زبانان

### چنان کن آنچه خواهی، کل شریعت بُود.

این یک کتاب مقدس است که به وسیله فرشته نگهبان مقدس آلیستر کراولی<sup>۱</sup> به وی دیکته شده است (ر.ج. فصل الف).

متن کتاب بسیار صریح است ولی در عین حال درک کامل آن نیازمند دانشی وسیع در حوزه اسطوره شناسی مصر و یونان، کابالا<sup>۲</sup> (علوم رمزی یهود)، جماتریا<sup>۳</sup> (علوم رمزی اعداد کابالا)، نمادشناسی تاروت و فلسفه می باشد.

همانطور که در متن کتاب آمده است تنها فرد موجه برای تفسیر این کتاب شخص استاد اعظم<sup>۴</sup> (آلیستر کراولی) اعلام شده است. (فصل اول، ۳۶). تفسیر کامل در این [آدرس](#) موجود است.

بر پایه این کتاب و تعلیمات آلیستر کراولی، انجمن [Ordo Templi Orientis](#) با اختصار OTO (تاسیس در ۱۱۰۸ میلادی) بنیان خود را بر پایه سیستم مذهبی-جادویی-فلسفی کتاب حاضر، تلمّا<sup>۵</sup> قرار داد. در «توضیح» (ص ۷) می خوانید:

«مطالعه این کتاب ممنوع است. عاقلانه است که این رونوشت پس از اولین خوانش نابود گردد.»  
گفته می شود هدف از این سخن، جلوگیری از بحث و جدل در مورد مطالب این کتاب می باشد. مطالب این کتاب در بخشهایی آنقدر سمبلیک و جسورانه است که بر آن است تنها ناپیش داورترین پادشاهان آن را درک کنند.

این یک کتاب جادویی است. قرن گذشته شاهد انتشار بسیاری اسرار انجمن های جادویی بوده است و دهه گذشته شاهد انتشار رایگان آنها در اینترنت. این انتشارها خشم بسیاری جادوگران را برانگیخت. ولی همه اساتید اعظم دورانها قلبا از این موضوع خشنودند. ما در سومین و آخرین عصر تحول «انسان» قرار داریم. آنان که می خواهند بدانند.

ما را با رانده و ناشایست کاری نیست: بگذار در محنت خود بمیرند... (فصل دوم، ۲۱)

عشق، شریعت، عشق، خواهش بُود.

سپند

☉ ☽ ☾

مرداد ۱۳۸۴،

July 2005

<sup>1</sup> Aleister Crowley (1875-1947)

<sup>2</sup> Qabalah

<sup>3</sup> Gematria

<sup>4</sup> Master Therion

<sup>5</sup> Thelema

## فصل الف. کتاب

۱. این کتاب بین ظهر و ساعت ۱ بعد از ظهر در سه روز متوالی، هشتم، نهم و دهم آوریل ۱۹۰۴ در قاهره دیکته شد.
- دیکته کننده خود را آیواس<sup>۱</sup> نامید و ادعا کرد «پیشکار هور-پار-کرات» است. یعنی پیغام رسانی از نیروهای حال حاضر حاکم بر زمین، که در ادامه توضیح داده خواهد شد.
- او چگونه می توانست ثابت کند که در واقع موجودی مافوق هر نژاد انسانی است و استحقاق سخن گفتن با چنین اختیاری را دارد؟ واضح است که باید دانش و قدرتی نشان دهد که هرگز هیچ انسانی یافت نشده باشد که آن را در اختیار داشته باشد.
۲. او دانش خود را عمدتاً با استفاده از رمزنگاری در عبارات مشخصی نشان داد که حقایق نهانی را اظهار می دارد. مانند برخی وقایع که هنوز اتفاق نیافتاده بودند به نحوی که امکان نداشته است هیچ انسانی بتواند از آنها آگاهی داشته باشد. بنابراین اثبات ادعای وی در خود دست نوشته موجود است. و مستقل از هر گونه شاهد انسانی است.
- تفسیر این عبارات الزاماً نیازمند منتهای درجه پژوهش بشری است. بخش زیادی همچنان باید بررسی شود. ولی برای توجیه ادعای وی به مقدار کافی یافته شده است. شکاک ترین ادراکات هم مجبور به تصدیق حقیقت هستند.
- این مطلب به بهترین نحو بوسیله استاد اعظم قابل مطالعه است که سالهای پر زحمت او را به بصیرت رهنمون کرده است.
- از سوی دیگر زبان این کتاب به نحو تحسین برانگیزی ساده، روشن و نیرومند است. کسی نمی تواند آن را بخواند و در ژرف ترین اعماق وجودش تاثیر نکند.
۳. بوسیله تاثیر استاد و کتاب آیواس در وقایع حقیقی چیزی بیش از نیروی انسانی نمایان است. این حقایق بوسیله همگان قابل تحسین است ولی با کمک استاد اعظم بهتر فهمیده می شود.
۴. جزئیات کامل دلایل وقایعی که منجر به دیکته این کتاب شد، به همراه رونوشتی از چاپ دست نوشته و مقاله ای از استاد اعظم در *اعتدالین خدایان*<sup>۲</sup> چاپ شده است.

<sup>1</sup> Aiwass

<sup>2</sup> Equinox of the Gods, by: Aleister Crowley, The Master Therion.

قابل ایتباع از [www.amazon.com](http://www.amazon.com)  
نسخه رایگان: <http://www.hermetic.com/crowley/eoftg>

## فصل ب. گیتی

این کتاب شرح گیتی است. عناصر نوت<sup>۱</sup>، وسعت، و هدیت<sup>۲</sup>، هر نقطه ای که تجربه ای از این امکان را دارد می باشند. (این انگاره برای تعارف نوشتاری، بانوت، الهه مصری نماد پردازی شده است؛ زنی خمیده مانند طاق آسمان شب. هدیت به صورت گویی بالدار در قلب نوت نمادپردازی شده است.)

هر واقعه وحدتی از یک واحد به همراه یکی از تجربیات ممکن به آن است. «هر مرد و زنی یک ستاره است»، جمع چنین تجربیاتی است که با هر واقعه نو، همواره در حال تغییر است که وی را خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تاثیر قرار می دهد.

بدین رو هریک از ما گیتی خود را دارد ولی هنگامی آن، گیتی هر فرد است که شامل همه تجربیات ممکن شود. این حاکی از توسعه خودآگاهی است تا تمام خودآگاهی های دیگر را دربر گیرد.

در این مقطع، چیزی که شما می بینید هرگز همانند آنچه من می بینم نیست. ما استنباط می کنیم آنها یکسان هستند چراکه تجربه شما در بسیاری نقاط آنچنان بر تجربه من منطبق است که تفاوت های حقیقی مشاهده ما قابل صرف نظر است.

برای نمونه، اگر دوستی از بین ما بگذرد، شما فقط سمت چپ او را می بینید. من سمت راست او را. ولی ما توافق داریم او یک نفر است، اگرچه ممکن است نه فقط در چیزی که از بدن او می بینیم، بلکه در مورد آنچه از کیفیات او می دانیم نیز اختلاف داشته باشیم. هر چه مرتباً او را بیشتر ببینیم و او را بهتر بشناسیم، هم عقیده شدن در این تشابه قوی تر می شود. با این وجود در تمام مدت هیچ یک از ما نمی توانیم چیزی فراتر از عقاید ساخته ذهن خود در مورد او بدانیم.

مطالب بالا تلاش ناپخته ای برای توضیح سیستمی است که همه مکاتب فلسفی را آشتی می دهد.

---

<sup>1</sup> Nuit

<sup>2</sup> Hadit

### فصل ج. شریعت تِلِما<sup>۱</sup>

این کتاب قانون سلوک ساده ای را پوشش می دهد.  
 «چنان کن آنچه خواهی، کل شریعت بُود.»  
 «عشق، شریعت، عشق، خواهش بُود.»  
 «شریعتی فرای چنان کن آنچه خواهی نَبُود.»  
 این یعنی هر یک از ما ستاره ها می بایست بر مدار خود حرکت کنیم.

---

<sup>1</sup> Thelema لغت یونانی (θελημα) اراده است و ارزش عددی آن با کلمه عشق در یونانی یکسان است.

## توضیح

چنان کن آنچه خواهی، کل شریعت بُود.

مطالعه این کتاب ممنوع است. عاقلانه است که این رونوشت پس از اولین خوانش نابود گردد. هر آنکه بدین بی اعتنایی ورزد، بیم و خطر آن را بپذیرد. که بسیار شوم باشد. آنانکه در مورد مطالب این کتاب گفتگو می کنند بوسیله همه طرد می شوند، همانند کانون طاعون. بر آن است که همه پرسشهای قانون با تمسک به نوشته های من روشن شوند، یک به یک. شریعتی فرای چنان کن آنچه خواهی نبُود.  
عشق، شریعت، عشق، خواهش بُود.

موید امیران،

اَنخ-ف-ن-خُنسو



## فصل اول

1. Had! The manifestation of Nuit.  
۱. هد! نمود نوت.
2. The unveiling of the company of heaven.  
۲. پرده دری انجمن بهشت.
3. Every man and every woman is a star.  
۳. هر مرد و هر زن یک ستاره است.
4. Every number is infinite; there is no difference.  
۴. هر عدد نامحدود است؛ تفاوتی نیست.
5. Help me, o warrior lord of Thebes, in my unveiling before the Children of Men.  
۵. کمک کن، ای سرور تیس، در پرده دری در حضور فرزندان انسان.
6. Be thou Hadit, my secret centre, my heart & my tongue!  
۶. باش تو هدیت، سر میان من، قلب من و زبان من.
7. Behold! it is revealed by Aiwass the minister of Hoor-Paar-kraat.  
۷. هان! آشکار می گردد توسط آیواس، پیشکار هور-پار-کرات.
8. The Khabs is in the Khu, not the Khu in the Khabs.  
۸. خابز در خو است، نه خو در خابز.
9. Worship then the Khabs, and behold my light shed over you!  
۹. آنگه خابز را عبادت کن، و بر نورم بر تو افکنده بنگر!
10. Let my servants be few & secret: they shall rule the many and the known.  
۱۰. بگذار خادمینم قلیل و محرم باشند: بیاید حکم رانند بر بسیار و شناخته.
11. These are fools that men adore; both their Gods and their men are fools.  
۱۱. اینان نادانانند که انسانها می ستایند؛ خدایانشان و انسانهایشان نادانند.
12. Come forth, o Children, under the stars, & take your fill of love.  
۱۲. پیش آید، ای فرزندان، زیر ستارگان و لبریز عشق را بر گیرید.
13. I am above you and in you. My ecstasy is in yours. My joy is to see your joy.  
۱۳. من فراتر از شمایم و درون شما. حظ من در از برای شماست.
14.  
Above, the gemmed azure is  
The naked splendour of Nuit;  
She bends in ecstasy to kiss  
The secret ardours of Hadit.  
The winged globe, the starry blue,  
Are mine, O Ankh-af-na-khonsu!

۱۴

فرای گوهر لاجورد است،  
فرعریان نوت؛  
در حظ بوسه خم می شود،  
شوق محرم هدیت.  
گوی بالدار، آبی ستاره گون،  
مال منند؛ ای آنخ-ف-ن-خونسو!

15. Now ye shall know that the chosen priest and apostle of infinite space is the princepriest the Beast; and in his woman called the Scarlet Woman is all power given. They shall gather my children into their fold; they shall bring the glory of the stars into the hearts of men.

۱۵. حال تو خواهی دانست که موبد برگزیده و فرستاده وسعت نامحدود، دیو، امیر-موبد است؛ و در زنش، زن مخملی، همه قدرت نهاده شده. فرزندانم را در حصار خود گرد خواهند آوردند؛ باید که جلال ستارگان را به قلوب انسانها بیاورند.

16. For he is ever a sun, and she a moon. But to him is the winged secret flame, and to her the stooping starlight.

۱۶. که او همواره خورشیدی است، و او<sup>۱</sup> یک ماه. ولی به اوست بارقه رمزی بالدار، و به اوست پرتو نور خمیده.

17. But ye are not so chosen.

۱۷. ولی تو بدان شکل برگزیده نشدی.

18. Burn upon their brows, o splendrous serpent.

۱۸. شعله زن بر ابرویشان، ای مار پرشکوه.

19. O azure-lidded woman, bend upon them!

۱۹. ای زن لاجورد چشم، بر آنان طاق زن.

20. The key of the rituals is the secret word which I have given unto him.

۲۰. کلید آیینها کلمه ای رمزی است که من بدانها دادم.

21. With the God & the Adorer I am nothing; they do not see me. They are as upon the earth; I am Heaven, and there is no other God than me and my lord Hadit.

۲۱. به همراه خدا/ و ستایشگر من هیچم؛ آنها مرا نمی بینند. آنان بر زمینند؛ من بهشت هستم، و خدای دیگری جز من و سرورم هدیت نیست.

22. Now, therefore, I am known to ye by my name Nuit, and to him by a secret name which I will give him when at last he knoweth me. Since I am Infinite Space and the infinite stars thereof, do ye also thus. Bind nothing! Let there be no difference made among you between any one thing & any other thing; for thereby there cometh hurt.

۲۲. حال، بدانسو، من با نام نوت به تو شناخته شده ام، و به او با نامی رمزی که به وی که در غایت مرا شناخت عرضه خواهم کرد. از آنجا که من وسعت نامحدود هستم و ستاره های نامحدود آن، تو نیز چینی. اسیر هیچ مباش! مگذار تفاوتی بین تو و هر چیز واحد و هر چیز دیگر پدید آید؛ چراکه بدان راه همانا زیان آید.

23. But whoso availeth in this, let him be the chief of all!

۲۳. ولی هر آنکه از این سود برد، بگذار سالار همگان باشد.

24. I am Nuit, and my word is six and fifty.

۲۴. من نوت هستم، و کلمه ام شش و پنجاه.

25. Divide, add, multiply, and understand.

۲۵. بخش کن، جمع کن، ضرب کن و بفهم.

26. Then saith the prophet and slave of the beauteous one: Who am I, and what shall be the sign? So she answered him, bending down, a lambent flame of blue, all-touching, all penetrant, her lovely hands upon the black earth, & her lithe body arched for love, and her soft feet not hurting the little flowers: Thou knowest! And the sign shall be my ecstasy, the consciousness of the continuity of existence, the omnipresence of my body.

۲۶. سپس گفت پیغامبر و برده یگانه زیبا: من کیم، و نشان چه خواهد بود؟ پس او به وی پاسخ داد، طاق زده، شعله ای ملایم آبی، بسیار اثربخش، بسیار نافذ، دستان دلپذیرش بر بالای زمین سیاه، و بدن نرمش خمیده به مهر، و پای نرمش که زیان نرساند به گلهای کوچک: تو دانستی! و آگاهی از استمرار وجود، حضور بدن من، نشان حظ من خواهد بود.

27. Then the priest answered & said unto the Queen of Space, kissing her lovely brows, and the dew of her light bathing his whole body in a sweet-smelling perfume of sweat: O Nuit, continuous ne of Heaven, let it be ever thus; that men speak not of Thee as One but

<sup>1</sup> واژه او در این متن برای اشاره به سوم شخص مفرد مونث به کار رفته است. م.

as None; and let them speak not of thee at all, since thou art continuous!

۲۷. آنگاه موبد پاسخ داد و به شهبانوی وسعت گفت، با بوسه ای بر ابروان دلپذیرش، و بر ژاله نورش که سراسر بدن وی را در عطر شیرین بوی عرق استحمام می کرد: ای نوت، یگانه مدوام بهشت، بگذار همواره چنین باشد؛ آنان از تو به یک سخن نمی گوید بل هیچ؛ و مگذار ایدا از تو سخن گویند، از آنرو که مداومی!

28. None, breathed the light, faint & faery, of the stars, and two.

۲۸. هیچ، دم زد نور را، ضعف و پری را، از ستارگان، و دو.

29. For I am divided for love's sake, for the chance of union.

۲۹. چراکه من به جهت عشق تقسیم شده ام، برای شانس وحدت.

30. This is the creation of the world, that the pain of division is as nothing, and the joy of dissolution all.

۳۰. این خلقت عالم است، که درد تقسیم همانند هیچ است، و لذت انحلال همه.

31. For these fools of men and their woes care not thou at all! They feel little; what is, is balanced by weak joys; but ye are my chosen ones.

۳۱. چراکه این نادانان انسانها و اندوههایشان ایدا غم تو ندارند؛ آنچه هست، با لذات سست متعادل می شود؛ ولی تو برگزیده منی.

32. Obey my prophet! follow out the ordeals of my knowledge! seek me only! The joys of my love will redeem ye form all pain. This is so: I swear it by the vault of my body; by my sacred heart and tongue; by all I can give, by all I desire of ye all!

۳۲. اطاعت کن پیغمبر من! اردالی<sup>۱</sup> های دانش من را به انجام رسان! فقط مرا بجوی! لذات عشق من تو را از همه دردها رهایی می دهد. چنین است: به گنبد بدنم قسم می خورم؛ با قلب و زبان مقدسم؛ با هر آنچه می توانم به تو بدهم، به همه شوقی که به همه شما دارم!

33. Then the priest fell into a deep trance or swoon, & said unto the Queen of Heaven; Write unto us the ordeals; write unto us the rituals; write unto us the law!

۳۳. سپس موبد به خلسه یا ضعف عمیقی رفت و به شهبانوی بهشت گفت؛ اردالی ها را بر ما بگو؛ آیینها را بر ما بگو؛ شریعت را بر ما بگو!

34. But she said: the ordeals I write not, the rituals shall be half known and half concealed: the law is for all.

۳۴. ولی او گفت: اردالی ها را ننویسم، آیین ها باید نیمه دانسته و نیمه مخفی باشند: قانون برای همه است.

35. This that thou writest is the threefold book of law.

۳۵. این که تو می نویسی شریعتی سه گانه است.

36. My scribe Ankh-af-na-khonsu, the priest of the princes, shall not in one letter change this book; but lest there be folly, he shall comment thereupon by the wisdom of Ra-Hoor-Khu-it.

۳۶. کاتب من، آنخ-ف-ن-خنسو، موبد امیران، نبایست ای کتاب حتی در یک حرف تغییر یابد؛ ولی مبدا نابخردی باشد، در نتیجه وی با دانایی را-هور-خویت تفسیر خواهد نوشت.

37. Also the mantras and spells, the obeah and the wanga; the work of the wand and the work of the sword; these he shall learn and teach.

۳۷. همینطور ذکرها و اوراد، طلسم<sup>۲</sup> و افسون<sup>۳</sup>، کارکرد عصا<sup>۴</sup> و کارکرد شمشیر را؛ اینها باید بیاموزد و بیاموزاند.

38. He must teach, but he may make severe the ordeals.

<sup>۱</sup> آیینهای مشقت بار. م.

<sup>۲</sup> obeah

<sup>۳</sup> wanga

<sup>۴</sup> wand

۳۸. او باید آموزش دهد، ولی او باید اردالی ها را سخت کند.

39. The word of the law is θελημα. (ΘΕΛΗΜΑ)

۳۹. کلمه شریعت<sup>۱</sup> θελημα است. (ΘΕΛΗΜΑ)

40. Who calls us Thelemites will do no wrong. if he look but close into the word. For there are therein Three Grades, the Hermit, and the Lover, and the Man of earth. Do what thou wilt shall be the whole of the Law.

۴۰. آنکه ما را تیلما<sup>۱</sup> بنامد خطا نکرده است. اگر که در کلمه بنگرد بل دقیق. چرا که در آن سه رتبه هست، تارک دنیا، عاشق، و مرد زمین<sup>۲</sup>. چنان کن آنچه خواهی، کل شریعت بود.

41. The word of Sin is Restriction. O man! refuse not thy wife, if she will! O lover, if thou wilt, depart! There is no bond that can unite the divided but love: all else is a curse. Accursed! Accursed be it to the aeons! Hell!

۴۱. کلمه گناه، محدودیت است. ای مرد! همسرت را رارد مکن، اگر او می خواهد! ای عاشق، اگر تو می خواهی، روانه شو! میثاقی نیست که بتواند جدا شده را یکی کند جز عشق: همه دیگر نفرین است. نفرین شده! نفرین شده باد در اعصار! جهنم!

42. Let it be that state of manyhood, bound and loathing. So with thy all; thou hast no right but to do thy will.

۴۲. بگذار آن حال تکثر بماند، محصور و منفور. پس با همگانتان، تو هیچ حق نداری جز انجام اراده

ات.

43. Do that, and no other shall say nay.

۴۳. آن کن، و هیچ دیگری نه نخواهد گفت.

44. For pure will, unassuaged of purpose, delivered from the lust of result, is every way perfect.

۴۴. برای اراده ات، بی تخفیف مقصود، آزاد از شهوت نتیجه، همه ره کمال است.

45. The Perfect and the Perfect are one Perfect and not two; nay, are none!

۴۵. کمال و کمال یک کمال هستند و نه دو؛ نه! هیچند!

46. Nothing is a secret key of this law. Sixty-one the Jews call it; I call it eight, eighty, four hundred & eighteen.

۴۶. هیچ کلید سری این شریعت است. شصت و یک نامندش یهودیان، من آن را هشت، هشتاد، چهار صد و هجده می نامم.

47. But they have the half; unite by thine art so that all disappear.

۴۷. ولی آنها نیمه را دارند؛ یکی با مال تو چنانند که همه ناپدید می شوند.

48. My prophet is a fool with his one, one, one; are not they the Ox, and none by the Book?

۴۸. پیغامبرم در یک خود نادان است، یک، یک، یک؛ گاونر نیستند آنها، و هیچ در کتاب؟

49. Abrogate are all rituals, all ordeals, all words and signs. Ra-Hoor-Khuit hath taken his seat in the East at the Equinox of the Gods; and let Asar be with Isa, who also are one. But they are not of me. Let Asar be the adorant, Isa the sufferer; Hoor in his name and splendour is the Lord initiating.

۴۹. منسوخند همه آیینها، همه اردالی ها، همه کلمات و نشانهها. ر-هور-خویت مسند خود را در شرق در اعتدالین خدایان برگرفته؛ و بگذار اسر<sup>۳</sup> با ایسا<sup>۴</sup> باشد، که همچنان یک هستند. ولی آنان به من منسوب نیستند. بگذار اسر ستایشگر باشد، ایسا رنجیر؛ هور در نام و جلالش سرور آغازگر است.

50. There is a word to say about the Hierophantic task. Behold! there are three ordeals in

<sup>1</sup> تیلما

<sup>2</sup> اشاره ایست به نام سه کارت تاروت. م.

<sup>3</sup> Asar

<sup>4</sup> Isa

one, and it may be given in three ways. The gross must pass through fire, let the fine be tried in intellect, and the lofty chosen ones in the highest. thus ye have star & star, system & system; let not one know well the other!

۵۰. کلامی در مورد وظیفه کشیش /عظم وجود دارد. آگاه باش! سه اردالی در یکی وجود دارند، که ممکن است به سه صورت بیان شوند. ناخالص باید از آتش بگذرد، بگذار آگاهان با تاوان آزمایش شود، و برگزیدگان عالی مرتبه با گزاف تر. پس تو ستاره داری و ستاره، اسلوب و اسلوب؛ مگذار یکی از دیگری به خوبی آگاه باشد!

51. There are four gates to one palace; the floor of that palace is of silver and gold; lapis lazuli & jasper are there; and all rare scents; jasmine and rose, and the emblems of death. Let him enter in turn or at once the four gates; let him stand on the floor of the palace. Will he not sink? Amn. Ho! warrior, if thy servant sink? But there are means and means. Be goodly therefore: dress ye all in fine apparel; eat rich foods and drink sweet wines and wines that foam! Also, take your fill and will of love as ye will, when, where and with whom ye will! But always unto me.

۵۱. چهار دروازه به یک کاخ وجود دارد؛ کف آن کاخ از نقره و طلا است؛ سنگ لاجورد و یشم آنجاست؛ و همه رایحه های نادر؛ یاسمن و گل سرخ، و نشانه های مرگ. بگذار یک به یک یا یکباره وارد چهار دروازه شود؛ بگذار روی کف کاخ بایستد. فرو نخواهد رفت؟ /آمن. های! جنگجو، اگر خدمت فرو رود؟ ولی آنجا اسبابها و اسبابهایی هست. آنجا فاخر باش: خود را در رختی نیکو ببوشان. غذاهای غنی بخور و شرابهای گوارا بنوش و شرابهایی که کف می کنند! همچنین، همچنین، لبریز و اراده عشق را برگیر همانگونه که در مکان، زمان و به همراه آنکه تمنا داری اراده می کنی! ولی همواره بر من.

52. If this be not aright; if ye confound the space marks: They are one; or saying, They are many; if the ritual be not ever unto me; then expect the direful judgments of Ra Hoor Khuit!

۵۲. اگر صحیح نبود؛ اگر مبهوت علایم محیط شدی: آنها یکی هستند؛ یا گویی، بسیارند؛ اگر آیین بر من نبود؛ آنگاه انتظار قضاوتهایی مهیب از /را-هور-خوت داشته باش!

53. This shall regenerate the world, the little world my sister, my heart & my tongue, unto whom I send this kiss. Also, o scribe and prophet, though thou be of the princes, it shall not assuage thee nor absolve thee. But ecstasy be thine and joy of earth: ever To me! To me !

۵۳. این، جهان را تذهیب خواهد کرد، جهان کوچک خواهر من، قلبم و زبانم، کسی که به او بوسه می

فرستم.

54. Change not as much as the style of a letter; for behold! thou, o prophet, shalt not behold all these mysteries hidden therein.

۵۴. اسلوب یک نامه را به هیچ میزان تغییر مده؛ تا آگاه باشی! تو، ای پیغامبر، نمی بایست از همه این رموز مخفی آگاه باشی.

55. The child of thy bowels, he shall behold them.

۵۵. کودک اعمامت، او از آنها آگاه خواهد شد.

56. Expect him not from the East, nor from the West; for from no expected house cometh that child. Aum! All words are sacred and all prophets true; save only that they understand a little, solve the first half of the equation, leave the second unattacked. But thou hast all in the clear light, and some, thou not all, in the dark.

۵۶. او را نه از شرق و نه از غرب توقع نداشته باش؛ چرا که آن کودک از منزل قابل انتظاری نمی آید.

آم! تمام کلمات مقدسند و تمام پیغامبران راستین؛ فقط آنانکه اندکی می فهمند را رهایی ده، نیمه اول معادله را حل کن، دومی را دست نیازیده باقی بگذار. ولی تو همه را در نوری روشن داری، و برخی را، نه همه را، در تاریکی.

57. Invoke me under my stars! Love is the law, love under will. nor let the fools mistake love; for there are love and love. there is the dove, and there is the serpent. Choose ye well! He, my prophet, hath chosen, knowing the law of the fortress, and the great mystery of the House of God. All these old letters of my book are aright; but ♁ is not the Star. This also is secret; my prophet shall reveal it to the wise.

۵۷. مرا زیر ستاره هایم طلب کن! عشق، شریعت، عشق، خواهش بود. مگذار ابلهان عشق را اشتباه کنند؛ چرا که آنجا عشق است و عشق. آنجا کیوتر است؛ و آنجا مار است. شماها به خوبی انتخاب کنید! او، پیغامبر من، انتخاب کرده است، قانون دژ و رمز بزرگ خانه خدا را می داند. تمام این حروف قدیمی کتاب من درست است؛ ولی لا ستاره نیست. همچنین این یک سر است؛ پیغامبر من آن را به دانایان آشکار خواهد کرد.<sup>۱</sup>

58. I give unimaginable joys on earth: certainty, not faith, while in life, upon death; peace unutterable, rest, ecstasy; nor do I demand aught in sacrifice.

۵۸. من در زمین لذات غیر قابل تصویری می دهم: قطعیت، نه ایمان، در زندگی، در مرگ؛ صلح به زبان نیاوردنی، سکون، خلسه؛ چیزی به عنوان قربانی طلب نمی کنم.

59. My incense is of resinous woods & gums; and there is no blood therein: because of my hair the trees of Eternity.

۵۹. عطر بخور من چوب صمغی و صمغ است؛ و خونی در آنان نیست: به علت موی من درختان

ابدیت.

60. My number is 11, as all their numbers who are of us. The Five Pointed Star, with a Circle in the Middle, & the circle is Red. My colour is black to the blind, but the blue & gold are seen of the seeing. Also I have a secret glory for them that love me.

۵۹. عدد من ۱۱ است، همانند عدد همه آنانی که از ما هستند. ستاره پنج پر، با دایره ای در میان، و دایره قرمز است. رنگ من در نظر کوران سیاه است، ولی آبی و طلایی توسط بینایان دیده می شود. همچنین من برای آنانی که به من عشق می ورزند جلالی سری دارم.

61. But to love me is better than all things: if under the night stars in the desert thou presently burnest mine incense before me, invoking me with a pure heart and the Serpent flame therein, thou shalt come a little to lie in my bosom. For one kiss wilt thou then be willing to give all; but whoso gives one particle of dust shall lose all in that hour. Ye shall gather goods and store of women and spices; ye shall wear rich jewels; ye shall exceed the nations of the earth in splendour & pride; but always in the love of me and so shall ye come to my joy. I charge you earnestly to come before me in a single robe, and covered with a rich headdress. I love you! I yearn to you! Pale or purple, veiled or voluptuous, I who am all pleasure and purple and drunkenness of the innermost sense, desire you. Put on the wings, and arouse the coiled splendour within you: come unto me!

۶۱. ولی به من عشق ورزیدن از همه چیز بهتر است: اگر تو بزودی زیر ستارگان شب در صحرا عطر بخور مرا در پیشگاهم بسوزانی، با قلبی خالص و جرقه مار در آن، اندکی به خوابیدن در آغوش من خواهی آمد. تو برای یک بوسه آرزو داری همه چیز را بدهی؛ ولی او که یک ذره غبار می دهد در آنوقت همه چیز را از دست می دهد. شماها بایست اسباب و ذخایر زنان و ادویه ها را جمع آوری کنید؛ شماها بایست جواهرات فاخر ببوشید؛ شماها بایست در جلال و غرور از ملل زمین پیشی بگیرید؛ ولی همیشه در عشق به من و بدین سو به لذت من خواهید رسید. از تو مشتاقانه می خواهم در یک قبای واحد به پیشگاه من بیایی، گه با سرپوشی فاخر پوشیده شده باشی. دوستت دارم! مشتاقتم هستم! کم نور یا ارغوانی، محجب یا شهوتران، منی که همه خواهش، ارغوانی و مست درونی ترین احساس هستم، مشتاق توام. بالها را برپوش و جلال پیچیده درونت را بیدار کن: بر من آی!

62. At all my meetings with you shall the priestess say - and her eyes shall burn with desire as she stands bare and rejoicing in my secret temple - To me! To me! calling forth the flame of the hearts of all in her love-chant.

<sup>1</sup> مراجعه کنید به کتاب [Understanding Aleister Crowley's THOTH TAROT](#)، نوشته Lon Milo Duquette، ۲۰۰۳، صفحه ۹۱. م.

۶۲. در تمام ملاقاتهایم با تو کشیش بانو خواهد گفت - و چشمانش همچنانکه با اشتیاق برهنه ایستاده و سرخوش معبد سری من است - به من! به من! بارقه قلوب همه آنانکه در مناجات عشقت هستند را بروز می دهد.

63. Sing the rapturous love-song unto me! Burn to me perfumes! Wear to me jewels! Drink to me, for I love you! I love you!

۶۳. آهنگ عاشقانه شورانگیز را بر من خوان! عطرهایی برایم بسوزان! برایم جواهرات بپوش! به من بنوش، چراکه دوستت دارم! دوستت دارم!

64. I am the blue-lidded daughter of sunset; I am the naked brilliance of the voluptuous night-sky.

۶۴. من دختر آبی چشم غروب خورشیدم؛ من درخشندگی عریان آسمان شب شهوانی هستم.

65. To me! To me!

۶۵. به من! به من!

66. The Manifestation of Nuit is at an end.

۶۶. ظهور نوت به پایان می رسد.

## فصل دوم

1. Nu! the hiding of Hadit.

۱. نو! خفای هدیت.

2. Come! all ye, and learn the secret that hath not yet been revealed. I, Hadit, am the complement of Nu, my bride. I am not extended, and Khabs is the name of my House.

۲. بشتابید! همه شما، و سری را بیاموزید که تا کنون آشکار نشده است. من، هدیت، مکمل نو، عروسم هستم. من توسعه نیافته ام، و خابز نام منزل من است.

3. In the sphere I am everywhere the centre, as she, the circumference, is nowhere found.

۳. در گوی، من همه سو مرکز، همانطور که او، محیط، جایی یافت نمی شود.

4. Yet she shall be known & I never.

۴. همچنان او شناخته خواهد شد و من هرگز.

5. Behold! the rituals of the old time are black. Let the evil ones be cast away; let the good ones be purged by the prophet! Then shall this Knowledge go aright.

۵. آگاه باش! آیینهای های زمان دور سیاهند. بگذار پلیدان رانده شدند؛ بگذار نیکان بوسیله پیغامبر پالوده شوند! آنگاه این دانش در صراط مستقیم خواهد رفت.

6. I am the flame that burns in every heart of man, and in the core of every star. I am Life, and the giver of Life, yet therefore is the knowledge of me the knowledge of death.

۶. من بارقه ای هستم که در همه قلوب مردمان می سوزد، و در هسته همه ستاره ها. من زندگی هستم، و دهنده زندگی، آنگاه که دانش من وجود دارد دانش مرگ.

7. I am the Magician and the Exorcist. I am the axle of the wheel, and the cube in the circle. "Come unto me" is a foolish word, for it is I that go.

۷. من جادوگر هستم و صاحب نفس. من محور چرخم، و مکعب درون دایره. «به سوی من آی» لفظ ابلهانه ای است، چرا که منم که می روم.

8. Who worshipped Heru-pa-kraath have worshipped me; ill, for I am the worshipper.

۸. آنکه هور-پا-کرات را پرستید مرا پرستید؛ به خطا، چرا که من پرستنده ام.

9. Remember all ye that existence is pure joy; that all the sorrows are but as shadows; they pass & are done; but there is that which remains.

۹. همه شما به یاد داشته باشید که هستی لذت خالص است؛ که همه غمها تنها سایه هاینند؛ می گذرند و به انجام می رسند؛ ولی آن است که می ماند.

10. O prophet! thou hast ill will to learn this writing.

۱۰. ای پیغامبر! به خطا خواسته ای این مکتوب را بیاموزی.

11. I see thee hate the hand and the pen; but I am stronger.

۱۱. می دانم تو از دست و قلم متنفری؛ ولی من قوی ترم.

12. Because of me in Thee which thou knewest not.

۱۲. به خاطر من در تو که نشناختی.

13. for why? Because thou wast the knower, and me.

۱۳. به چه رو؟ چون تو داننده بودی، و من.

14. Now let there be a veiling of this shrine: now let the light devour men and eat them up with blindness!

۱۴. حال بگذار حجابی از این زیارتگاه باشد: حال بگذار نور مردان را ببلعد و آنان را کور بخورد.

15. For I am perfect, being Not; and my number is nine by the fools; but with the just I am eight, and one in eight: Which is vital, for I am none indeed. The empress and the King are not of me; for there is a further secret.



۱۵. چراکه من کاملم، هیچ هستم؛ و عددم در نظر ابلهان نه است؛ ولی با داد هشتم، و یک در هشت: که حتمی است، چون بی شک نهم. شهبانو و شاه از من نیستن؛ چراکه سر و الاتری هست.

16. I am the Empress & the Hierophant. Thus eleven, as my bride is eleven,

۱۶. من شهبانو و کشیش اعظم هستم. پس یازده، مانند عروسم که یازده است.

17.

Hear me, ye people of sighing!  
The sorrows of pain and regret  
Are left to the dead and the dying,  
The folk that not know me as yet.

۱۷.

گوش فرا دهید، ای مردم نظاره گر!

غمهای درد و افسوس

برای مرده و مردنی باقی گذارده می شوند،

قومی که هنوز مرا نشناخته است.

18. These are dead, these fellows; they feel not. We are not for the poor and sad: the lords of the earth are our kinsfolk.

۱۸. اینها مردگانند، این افراد، احساس نمی کنند. ما از برای ضعیف و غم آلود نیستیم: سروران زمین خویشاوندان ما هستند.

19. Is a God to live in a dog? No! but the highest are of us. They shall rejoice, our chosen: who sorroweth is not of us.

۱۹. آیا یک خدا/ را زندگی در یک سگ رواست؟ خیر! ولی والاترینان از مایند. می باید شادی کنند، برگزیده ما: آنکه غم می برد از ما نیست.

20. Beauty and strength, leaping laughter and delicious languor, force and fire, are of us.

۲۰. زیبایی و قدرت، خنده بلند بالا خاموشی لذیذ، نیرو و آتش، از ما هستند.

21. We have nothing with the outcast and the unfit: let them die in their misery. For they feel not. Compassion is the vice of kings: stamp down the wretched & the weak: this is the law of the strong: this is our law and the joy of the world. Think not, o king, upon that lie: That Thou Must Die: verily thou shalt not die, but live. Now let it be understood: If the body of the King dissolve, he shall remain in pure ecstasy for ever. Nuit! Hadit! Ra-Hoor-Khuit! The Sun, Strength & Sight, Light; these are for the servants of the Star and the Snake.

۲۱. ما را با رانده و ناشایست کاری نیست: بگذار در محنت خود بمیرند. چراکه احساس نمی کنند. همدردی فساد پادشاهان است: بر رنجور و ضعیف برچسب بزن: این قانون قوی است: این قانون ما و لذت جهان است. فکر نکن، ای شاه، به آن دروغ: که تو باید بمیری: هر آینه تو نخواهی مرد، بل زندگی خواهی کرد. حال بگذار دانسته شود: اگر بدن شاه آب شود، تا ابد در خلسه ناب خواهد ماند. نوت! هدیت! را-هور-خوت! خورشید، قدرت و بپیش، نور، اینان برای خادمین ستاره و مار هستند.

22. I am the Snake that giveth Knowledge & Delight and bright glory, and stir the hearts of men with drunkenness. To worship me take wine and strange drugs whereof I will tell my prophet & be drunk thereof! It is a lie, this folly against self. The exposure of innocence is a lie. Be strong, o man! lust, enjoy all things of sense and rapture; fear not that any god shall deny thee for this.

۲۲. من ماری هستم که دانش و شمع و شکوه درخشان می دهد، و قلوب مردمان را با مستی به جنب و جوش در می آورد. برای پرستش من شراب و داروهای غریب را از جایی برگیر که به پیغامبرم خواهم گفت و بدانسو مست باش! این یک دروغ است، این نابخردی در برابر نفس. افشای معصومیت یک دروغ است. قوی باش، ای مرد! شهوت، از همه چیز حس و جذبه لذت ببر؛ نترس که خدایی این را بر تو انکار کند.

23. I am alone: there is no God where I am.

۲۳. من تنهایم: جایی که هستم خدایی نیست.

24. Behold! these be grave mysteries; for there are also of my friends who be hermits. Now think not to find them in the forest or on the mountain; but in beds of purple, caressed by magnificent beasts of women with large limbs, and fire and light in their eyes, and masses of flaming hair about them; there shall ye find them. Ye shall see them at rule, at victorious armies, at all the joy; and there shall be in them a joy a million times than this. Beware lest any force another, King against King! Love one another with burning hearts; on the low men trample in the fierce lust of your pride, in the day of your wrath.

۲۴. آگاه باش! اینها رموزی خطیر باشند؛ چرا که دوستان من نیز هستند که زاهد باشند. حال فکر نکن آنها را در جنگل یا روی کوه پیدا کنی؛ بل در تختهای ارغوانی، هم آغوش با زنان شکوهمند دیو با بازوان بزرگ، و آتش و نور در چشمانشان، و انبوهی از موی شعله ور در اطرافشان؛ آنجا پیدایشان خواهی کرد. آنان را در حکمرانی خواهی دید، در ارتش‌ها پیروزمند، در لذت تمام؛ و در آنان لذتی یک میلیون بار بیش از این باشد. مبادا از هر نیروی دیگر بر حذر باشی، شاه در مقابل شاه! با قلبی سوزان به یکدیگر عشق ورزید؛ بر مردم دون پامال در شهوت درنده غرور شما، در روز غضب خود.

25. Ye are against the people, O my chosen.

۲۵. تو در مقابل مردمی، ای برگزیده ام.

26. I am the secret Serpent coiled about to spring: in my coiling there is joy. If I lift up my head, I and my Nuit are one. If I droop down mine head, and shoot forth venom, then is rapture of the earth, and I and the earth are one.

۲۶. من مار سری چنبره زده آماده به جهشم: در چنبره ام لذت است. اگر سرم را بلند کنم، من و نوتم یکی هستیم. اگر سرم را پایین افکنم، و زهرم را پرتاب کنم، جذب زمین است، و من و زمین یکی هستیم.

27. There is great danger in me; for who doth not understand these runes shall make a great miss. He shall fall down into the pit called Because, and there he shall perish with the dogs of Reason.

۲۷. خطر بزرگی در من است؛ او را که این نشان در نمی یابد را، فقدان عظیمی حاصل شده است. در گودالی خواهد افتاد که زیر نامیده شده است، و آنجا به وسیله سگان دلیل هلاک خواهد شد.

28. Now a curse upon Because and his kin!

۲۸. حال لعنتی بر زیر / و خویشانش باد!

29. May Because be accursed for ever!

۲۹. باشد که زیر / تا ابد ملعون باشد!

30. If Will stops and cries Why, invoking Because, then Will stops & does nought.

۳۰. اگر اراده متوقف شود و فریاد چرا بر آورد، طلب زیر / کند، آنگاه اراده متوقف می شود و هیچ نمی کند.

31. If Power asks why, then is Power weakness.

۳۱. اگر قدرت بپرسد چرا، آنگاه قدرت ضعف است.

32. Also reason is a lie; for there is a factor infinite & unknown; & all their words are skew-wise.

۳۲. همچنین دلیل یک دروغ است؛ چرا که عاملی نامحدود و ناشناخته وجود دارد؛ و همه کلماتشان دانایی اریبی هستند.

33. Enough of Because! Be he damned for a dog!

۳۳. زیر / بس است! باشد که آن به یک سگ لعنت شود!

34. But ye, o my people, rise up & awake!

۳۴. ولی شما، ای مردم من، برخیزید و بیدار شوید!

35. Let the rituals be rightly performed with joy & beauty!

۳۵. بگذارید آیینها به درستی با لذت و زیبایی اجرا شوند!

36. There are rituals of the elements and feasts of the times.

۳۶. آیینهای عناصر و ضیافتهای دورانها وجود دارند.
37. A feast for the first night of the Prophet and his Bride!  
۳۷. ضیافتی برای اولین شب پیغامبر و عروسش!
38. A feast for the three days of the writing of the Book of the Law.  
۳۸. ضیافتی برای سه روز نگارش کتاب شریعت.
39. A feast for Tahuti and the child of the Prophet - secret, O Prophet!  
۳۹. ضیافتی برای تاحوتی<sup>۱</sup> و فرزند پیغامبر - سر، ای پیغامبر!
40. A feast for the Supreme Ritual, and a feast for the Equinox of the Gods.  
۴۰. ضیافتی برای آیین اعلی، و ضیافتی برای اعتدالین خدایان.
41. A feast for fire and a feast for water; a feast for life and a greater feast for death!  
۴۱. ضیافتی برای آتش و ضیافتی برای آب؛ ضیافتی برای زندگی و ضیافتی بزرگتر برای مرگ!
42. A feast every day in your hearts in the joy of my rapture!  
۴۲. ضیافتی هر روزه در قلوبتان در لذت جذبه من!
43. A feast every night unto Nu, and the pleasure of uttermost delight!  
۴۳. ضیافتی هر شب بر نو، و خواهش اعلی ترین خوشی!
44. Aye! feast! rejoice! there is no dread hereafter. There is the dissolution, and eternal ecstasy in the kisses of Nu.  
۴۴. آیه! ضیافت بگیرید! شادی کنید! از این پس بیمی نیست. انحلال است، و خلسه ابدی در بوسه های نو.
45. There is death for the dogs.  
۴۵. مرگ است برای سگان.
46. Dost thou fail? Art thou sorry? Is fear in thine heart?  
۴۶. وامانده ای؟ متاسفی؟ آیا ترس در قلبت است؟
47. Where I am these are not.  
۴۷. آنجا که من هستم نیست.
48. Pity not the fallen! I never knew them. I am not for them. I console not: I hate the consoled & the consoler.  
۴۸. افسوس افتاده را مخور! هرگز آنها را نمی شناسم. من برای آنها نیستم. تسلی نمی دهم: از متسلی و متسلا بیزارم.
49. I am unique & conqueror. I am not of the slaves that perish. Be they damned & dead! Amen. [This is of the 4: there is a fifth who is invisible & therein am I as a babe in an egg.]  
۴۹. من یکتایم و پیروز. من از بردگانی نیستم که هلاک می شوند. باشد که ملعون و مرده باشد! آمین. [این از ۴ است: پنجمی وجود دارد که ناپیداست و در آن منم به مانند نوزادی در یک تخم مرغ.]
50. Blue am I and gold in the light of my bride: but the red gleam is in my eyes; & my spangles are purple & green.  
۵۰. آبیمن و طلایی در نور عروسم: ولی سوسویی قرمز در چشمانم است؛ و پولکانم ارغوانی و سبزند.
51. Purple beyond purple: it is the light higher than eyesight.  
۵۱. ارغوانی فرای ارغوانی: نوربست فرای دید چشم.
52. There is a veil: that veil is black. It is the veil of the modest woman; it is the veil of sorrow & the pall of death: this is none of me. Tear down that lying spectre of the centuries: veil not your vices in virtuous words: these vices are my service; ye do well, & I will reward you here and hereafter.  
۵۲. حجابیست: آن حجاب سیاه است. این حجاب زن باحیا است؛ این حجاب غم و پارچه تابوت مرگ است: این از من نیست. وهم دروغ قرون را بگسل: گناهانت را در کلمات عفیف میوشان: این گناهان لوازم منند؛ تو بدرستی عمل کن، و من در این دنیا و آن دنیا پاداشت خواهم داد.

<sup>1</sup> Tahuti

53. Fear not, o prophet, when these words are said, thou shalt not be sorry. Thou art emphatically my chosen; and blessed are the eyes that thou shalt look upon with gladness. But I will hide thee in a mask of sorrow; they that see thee shall fear thou art fallen: but I lift thee up.

۵۳. مترس، ای پیغامبر، وقتی این کلمات گفته می شوند، نباید که متأسف باشی. تو مواکدا برگزیده منی؛ و مبارکند آن چشمانی که تو با خشنودی بدانها می نگری. ولی من تو را در نقابی از غم پنهان می کنم؛ آنها که تو را می بینند از اینکه تو افتاده ای خواهند ترسید: ولی من تو را بلند می کنم.

54. Nor shall they who cry aloud their folly that thou meanest not avail; thou shall reveal it: thou availest: they are the slaves of because: They are not of me. The stops as thou wilt; the letters? change them not in style or value!

۵۴. آشکار نخواهی کرد به آنانکه نابخردی خود را فریاد می زنند، آنانکه فکر می کردی ارزش ندارند؛ آن را آشکار کن: تو سود می رسانی: آنان بردگان زیرا هستند. آنان از من نیستند. مانعان همانطور که می خواهی؛ حروف؟ در اسلوب یا ارزش آنها تغییر مده!

55. Thou shalt obtain the order & value of the English Alphabet; thou shalt new symbols to attribute them unto.

۵۵. تو باید ترتیب و ارزش الفبای انگلیسی را بدست آوری؛ باید آنها را به نمادهای جدیدی اختصاص دهی.

56. Begone! ye mockers; even though ye laugh in my honor ye shall laugh not long: then when ye are sad know that I have forsaken you.

۵۶. دور شوید! شما سخره گران، گرچه به احترام من می خندید زیاد نخواهید خندید: سپس وقتی غمگینید می فهمید که من شما را رها کرده ام.

57. He that is righteous shall be righteous still; he that is filthy shall be filthy still.

۵۷. او که نیکوکار است باید همچنان نیکوکار بماند؛ او که زشت کردار است باید همچنان زشت کردار بماند.

58. Yea! deem not of change; ye shall as ye are & not other. The kings of the earth shall be kings for ever: the slaves shall serve. There is none that shall be cast dow or lifted up: all is ever as it was. Yet there are masked ones my servants: it may be that yonder beggar is a King. A King may choose is garment as he will: there is no certain test: but a beggar cannot hide his poverty.

۵۸. آری! خیال تغییر مکنید؛ شما آنچه هستید خواهید بود و نه دیگری. شاهان زمین باید برای همیشه شاهان بمانند. خادمین باید خدمت دهند. چیزی نیست که مفید فایده نشان داده شود یا ترقی کند: همه همیشه همان است که بود. ولی نقاب پوشانی در خادمین من هستند: ممکن است گدای آنجا یک شاه باشد. یک شاه ممکن است ردایش را انسان که می خواهد انتخاب کند: معیار مشخصی وجود ندارد: ولی یک گدا نمی تواند تنگدستیش را پنهان کند.

59. Beware therefore! Love all, lest perchance is a King concealed! Say you so? Fool! If he be a King, thou canst not hurt him.

۵۹. بدانسان آگاه باش! همه را دوست دار، شاید اتفاقاً شاهی است پوشیده! تو چنین می گویی؟ نادان! اگر شاه باشد، نمی توانی به او صدمه بزنی.

60. Therefore strike hard & low, and to hell with them, master!

۶۰. بدان رو سخت و اندک ضربت زن، و با آنها به دوزخ، استاد!

61. There is a light before thine eyes, o prophet, a light undesired, most desirable.

۶۱. نوری در برابر چشمانت هست، ای پیغامبر، نوری ناخواسته، خواستنی ترین.

62. I am uplifted in thine heart; and the kisses of the stars rain hard upon thy body.

۶۲. متعالم در قلب تو؛ و باران بوسه های ستارگان بر بدنت شدید فرو می ریزند.

63. Thou art exhaust in the voluptuous fullness of the inspiration; the expiration is sweeter than death, more rapid and laughterful than a caress of hell's own worm.

۶۳. تو در غنای الهام شهوتران از پای در آمده ای؛ انقضاء، شیرین تر از مرگ، سریعتر و تبسم بخش تر از دلجویی جهنم خودخوری فرد است.

64. Oh! thou art overcome: we are upon thee; our delight is all over thee: hail! hail!

prophet of Nu! prophet of Had! prophet of Ra-Hoor-Khu! Now rejoice! now come in our splendour & rapture! Come in our passionate peace, & write sweet words for the Kings!

۶۴. اوه! تو فائق آمده ای: ما بر فراز تویمیم؛ خوشی ما سراسر بر تو گسترده است: درود! درود! پیغامبر نو! پیغامبر هد! پیغامبر را-هور-خو! حال شادی کن! حال در جلال و جذبه ما آی! در آرامش سودایی ما آی و کلماتی شیرین بر ای شاهان بنویس!

65. I am the Master: thou art the Holy Chosen One.

۶۵. من استاد هستم. تو آن برگزیده مقدس هستی.

66. Write, & find ecstasy on writing! Work, and be our bed in working! Thrill with the joy of life & death! Ah! thy death shall be lovely: whoso seeth it shall be glad. Thy death shall be the seal of the promise of our agelong love. Come! lift up thine heart & rejoice! We are one; we are none.

۶۶. بنویس و خلسه نوشتن را دریاب! کار کن، و در کار، بستر ما باش! از لذت زندگی و مرگ به هیجان آی! آه! مرگ تو دوست داشتنتی خواهد بود: هر آنکه آن را ببیند خرسند خواهد بود. مرگ تو مهر و عده عشق گسترده در اعصار ما خواهد بود. بیا! قلبت بردار و شادی کن! ما یکی هستیم؛ ما هیچیم.

67. Hold! Hold! Bear up in thy rapture; fall not in swoon of the excellent kisses!

۶۷. تاب آر! تاب آر! در جذبه خود تحمل تام داشته باش؛ در ضعف بوسه های متعالی سقوط مکن!

68. Harder! Hold up thyself! Lift thine head! breathe no so deep - die!

۶۸. سخت تر! خود را نگاه دار! سرت را بلند کن! آنچنان عمیق نفس مکش - بمیر!

69. Ah!Ah! What do I feel? Is the word exhausted?

۶۹. آه! آه! چه احساس می کنم؟ آیا کلمه تهی شده است؟

70. There is help & hope in other spells. Wisdom says: be strong! Then canst thou bear more joy. Be not animal; refine thy rapture! If thou drink, drink by the eight and ninety rules of art: if thou love, exceed by delicacy; and if thou do aught joyous, let there be subtlety therein!

۷۰. در اوراد دیگر کمک و امید هست. معرفت می گوید: قوی باش! آنگاه می توانی لذت بیشتر را تاب آوری. حیوان مباش؛ جذبه خود را بپالای! اگر نوشیدی، از هشت و نود فرامین هنر بنوش، اگر عشق می ورزی، با موشکافی جلو برو؛ و اگر هر کاری را با لذت انجام می دهی، بگذار در آن باریک بینی وجود داشته باشد!

71. But exceed! exceed!

۷۱. ولی پیش رو! پیش رو!

72. Strive ever to more! and if thou art truly mine - and doubt it not, and if thou art ever joyous! - death is the crown of all.

۷۲. همواره برای بیشتر بکوش! و اگر حقیقتاً مال منی - و در آن شکی نداری، و همیشه شادی! - مرگ تاج همه است.

73. Ah! Ah! Death! Death! thou shalt long for death. Death is forbidden, o man, unto thee.

۷۳. آه! آه! مرگ! مرگ! باید برای مرگ اشتیاق داشته باشی. مرگ ممنوع است، ای مرد، بر تو.

74. The length of thy longing shall be the strength of its glory, He that lives long & desires death much is ever the King among the Kings.

۷۴. مدت اشتیاق تو قدرت درخشش آن خواهد بود،/و که زیاد می زید و بسیار مرگ می خواهد همواره شاه شاهان است.

75. Aye! listen to the numbers and the words:

۷۵. آری! به اعداد و کلمات گوش فرا ده:

76. 4 6 3 8 A B K 2 4 A L G M O R 3 Y X 24 89 R P S T O V A L. What meaneth this, o prophet? Thou knowest not; nor shalt thou know ever. There cometh one to follow thee: he shall expound it. But remember, o chosen one, to be me; to follow the Love of Nu in the star-lit heaven; to look forth upon men, to tell them this glad word.

۷۶. ۸۳۶۴ الف ب ک ۴۲ الف ل ج م ع ر ۳ ی س ۸۹۲۴ ر ف غ ت ع ظ الف ل.<sup>۱</sup> این چه معنی می دهد، ای پیغامبر؟ تو نمی دانی؛ هرگز نخواهی دانست. یکی می آید که دنبال راه توست<sup>۲</sup>: او این را تفسیر خواهد کرد. ولی به یاد داشته باش، ای برگزیده، که از من باشی؛ که عشق تو را در بهشت اختر افروز دنبال کنی؛ که بر مردمان نظر داشته باشی، که به آنان این کلمه سرور را بگویی.

77. O be thou proud and mighty among men!

۷۷. اوه در میان مردم سربلند و قادر باش!

78. Lift up thyself! for there is none like unto thee among men or among Gods! Lift up thyself, o my prophet, thy stature shall surpass the stars. They shall worship thy name, foursquare, mystic, wonderful, the number of the man; and the name of thy house 418,

۷۸. خود را بلند کن! چراکه فردی مثل تو در میان مردمان و خدایان وجود ندارد! خود را بلند کن، ای پیغامبرم، قامت تو از ستارگان فراتر خواهد رفت. آنان نام تو و عدد چهاروجهی، رمزی، شگرف انسان و عدد منزلگاه تو، ۴۱۸ را ستایش خواهند کرد،

79. The end of the hiding of Hadit; and blessing & worship to the prophet of the lovely Star!

۷۹. پایان خفای هدیت؛ و رحمت و ستایش باد بر پیغامبر ستاره دوست داشتنی!

<sup>۱</sup> این تبدیل با مطابقت ستون های LI و LII در کتاب Liber 777 نوشته Aleister Crowley انجام شده است. م.

<sup>۲</sup> شخص یاد شده Frater Achad می باشد. به Liber 31 مراجعه کنید. م.

## فصل سوم

1. Abrahadabra; the Reward of Ra Hoor Khut.

۱. *آبراهادابرا؛ پاداش را هور خوت.*

2. There is division hither homeward; there is a word not known. Spelling is defunct; all is not aught. Beware! Hold! Raise the spell of Ra-Hoor-Khuit!

۲. در اینجا در راه خانه عدم توافق وجود دارد؛ کلمه ای هست ناشناخته. تلفظ مرده است؛ همه هیچ چیز نیست. آگاه باش! تاب آر! تلفظ را-هور-خوت را بیدار کن!

3. Now let it first be understood that I am a god of War and of Vengeance. I shall deal hardly with them.

۳. حال بگذار در ابتدا دانسته شود که من خدای جنگ و انتقام هستم. به زودی به آنها خواهم پرداخت.

4. Choose ye an island!

۴. برای خود جزیره ای برگزین!

5. Fortify it!

۵. از آن پاسداری کن!

6. Dung it about with enginery of war!

۶. به آن با ماشین جنگ کود بده!

7. I will give you a war-engine.

۷. به تو یک ماشین جنگ خواهم داد.

8. With it ye shall smite the peoples; and none shall stand before you.

۸. با آن بایست مردم را خرد کنی، و کسی نباید در برابرت تاب آورد.

9. Lurk! Withdraw! Upon them! this is the Law of the Battle of Conquest; thus shall my worship be about my secret house.

۹. کمین کن! بازپس گیر! بر آنان! این قانون بیکار بیروزی است؛ پس پرستش من باید در اطراف خانه سری من باشد.

10. Get the stele of revealing itself; set it in thy secret temple - and that temple is already aught disposed - & it shall be your Kiblah for ever.

۱۰. خود لوح افشاء<sup>۱</sup> را برگزیر، آن را در معبد سری خود قرار بده - و آن معبد هم اکنون به درستی تعیین شده - و باید که برای همیشه قبله تو باشد.

11. This shall be your only proof. I forbid argument. Conquer! That is enough. I will make easy to you the abstraction from the ill-ordered house in the Victorious City. Thou shalt thyself convey it with worship, o prophet, though thou likest it not. Thou shalt have danger & trouble. Ra-Hoor-Khu is with thee. Worship me with fire & blood; worship me with swords & with spears. Let the woman be girt with a sword before me: let blood flow to my name. Trample down the Heathen; be upon them, o warrior, I will give you of their flesh to eat!

۱۱. این باید تنها وسیله اثبات تو باشد. بحث را قدغن می کنم. فائق آی! کافی است. من تهیه نسخه المثنی<sup>۲</sup> را در این خانه بی نظم واقع در شهر قاهره<sup>۳</sup> برای تو آسان خواهم کرد. تو باید خودت این را با پرستش بشناسانی، ای پیغامبر، هر چند که ممکن است از آن خوشت نیاید. خطر و مشکل خواهی داشت. را-هور-خوت با تو است. من را با آتش و خون پرست؛ مرا با شمشیرها و نیزه ها عبادت کن. بگذار زن با یک شمشیر در پیشگاه من آماده باشد. بگذار خون به اسم من جاری شود. کافر را پایکال کن؛ بر آنان مسلط باش، ای جنگجو، به تو گوشت آنان را برای خوردن می دهم!

12. Sacrifice cattle, little and big: after a child.

<sup>۱</sup> stele of revealing به ضمیمه ۱ مراجعه کنید.

<sup>۲</sup> بر اساس توضیحات Crowley، واژه abstraction ترکیب abstraction و construction می باشد.

<sup>۳</sup> Victorious ترجمه نام شهر القاهره می باشد.

۱۲. احشام را قربانی کن، کوچک و بزرگ: پس از یک بچه.
13. But not now.
۱۳. ولی حالا نه.
14. Ye shall see that hour, o blessed Beast, and thou the Scarlet Concubine of his desire!
۱۴. آن ساعت را مشاهده خواهی کرد، ای دیو مبارک، و تو متعه مخملی خواهش وی!
15. Ye shall be sad thereof.
۱۵. بدان سو غمگین خواهی بود.
16. Deem not too eagerly to catch the promises; fear not to undergo the curses. Ye, even ye, know not this meaning all.
۱۶. انجام قولها را چنان مشتاقانه مپندار؛ از تحمل نفرین ها مترس. تو، حتی تو، معنی کل این را نمی فهمی.
17. Fear not at all; fear neither men nor Fates, nor gods, nor anything. Money fear not, nor laughter of the folk folly, nor any other power in heaven or upon the earth or under the earth. Nu is your refuge as Hadit your light; and I am the strength, force, vigour of your arms.
۱۷. اصلا مترس؛ نه از انسانها و نه از سرنوشتها، و نه خدایان و نه هیچ چیز مترس؛ نه از غنی و نه از خنده ملت نابخرد، و نه از هیچ قدرتی در بهشت یا در زمین یا در زیر زمین مترس. تو پناه توست و هدایت نور تو؛ و من قدرت، نیرو و توان بازوان تو هستم.
18. Mercy let be off: damn them who pity! Kill and torture; spare not; be upon them!
۱۸. رحمت را وا بنه: لعنت بر آنان که افسوس می خورند! بکش و شکنجه بده؛ مضایقه مکن، بر آنان مسلط باش!
19. That stele they shall call the Abomination of Desolation; count well its name, & it will be to you as 718.
۱۹. آن لوح را آنان باید کراهت پریشانی بنامند؛ به درستی نامش را شمارش کن، و آن بر تو ۷۱۸ خواهد بود.
20. Why? Because of the fall of Because, that he is not there again.
۲۰. چرا؟! بخاطر زوال زیر، اینکه او دیگر دوباره آنجا نیست.
21. Set up my image in the East; thou shalt buy thee an image which I will show thee, especial, not unlike the one thou knowest. And it shall be suddenly easy for thee to do this.
۲۱. تصویر مرا در شرق برپا کن، باید برای خودت تصویری را که به تو نشان خواهم داد بخری، بخصوص، نه بی شباهت به آنچه خودت می دانی. و به ناگه باید انجام این کار برایت آسان باشد.
22. The other images group around me to support me; let all be worshipped, for they shall cluster to exalt me. I am the visible object of worship; the others are secret; for the Beast & his Bride are they: and for the winners of the Ordeal x. What is this? Thou shalt know.
۲۲. دیگر تصاویر برای حمایت گرد من می آیند؛ بگذار همه پرستیده شوند، چرا که آنها برای تجلیل از من جمع خواهند شد. من شیء مرئی پرستش؛ بقیه سری هستند؛ چرا که آنها دیو و عروسش هستند: و برای بردگان اردالی. این چیست؟ خواهی دانست.
23. For perfume mix meal & honey & thick leavings of red wine: then oil of Abramelin and olive oil, and afterward soften and smooth down with rich fresh blood.
۲۳. برای عطر، آرد و عسل و لرد غلیظ شراب قرمز را مخلوط کن: سپس روغن آبراملین<sup>۱</sup> و روغن زیتون را، و پس از آن با خون تازه غنی نرم و نورد کن.
24. The best blood is of the moon, monthly: then the fresh blood of a child, or dropping from the host of heaven; then of enemies; then of the priest or of the worshippers: last of some beast, no matter what.
۲۴. بهترین خون، خون ماه است، ماهانه: بعد از آن خون تازه یک بچه، یا خون چکیده از جمعیت بهشت؛ بعد خون دشمنان؛ بعد خون کاهن یا پرستندگان: بعد خون یک دیو، اهمیتی ندارد کدام.
25. This burn: of this make cakes & eat unto me. This hath also another use; let it be laid

<sup>۱</sup> به کتاب The Sacred Magic of Abramelin the Mage، ترجمه Mac Gregor Mathers مراجعه کنید.



before me, and kept thick with perfumes of your orison: it shall become full of beetles as it were and creeping things sacred unto me.

۲۵. این را بسوزان: از این کیک درست کن و بر من بخور. این کاربرد دیگری نیز دارد؛ بگذار در پیشگاه من گذارده شود، و با عطرهای تضرع تو غنی شود: این همانطور که قبلا بوده است، پر از سوسکها و چیزهای خزنده مقدس در نزد من خواهد شد.

26. These slay, naming your enemies; & they shall fall before you.

۲۶. اینها را ذبح کن، دشمنانت را نام ببر؛ و آنها در مقابلت فرو خواهند افتاد.

27. Also these shall breed lust and the power of lust in you at the eating thereof.

۲۷. همچنین خوردن اینها در تو شهوت و قدرت شهوت به بار می آورد.

28. Also ye shall be strong in war.

۲۸. همچنین باید در جنگ قوی باشی.

29. Moreover, be they long kept, it is better; for they swell with my force. All before me.

۲۹. علاوه بر این، اگر برای مدت طولانی نگاه داشته شوند، بهتر است؛ چرا که آنها با قدرت من متورم می شوند. همه در پیشگاه من.

30. My altar is of open brass work: burn thereon in silver or gold!

۳۰. محراب من از جنس برنجکاری روباز است: در آنجا در نقره یا طلا بسوزان!

31. There cometh a rich man from the West who shall pour his gold upon thee.

۳۱. مردی ثروتمند از غرب می آید که طلایش را بر تو خواهد ریخت.

32. From gold forge steel!

۳۲. از طلا آهن بریز!

33. Be ready to fly or to smite!

۳۳. آماده باش که بر افرازی یا ذلیل شوی!

34. But your holy place shall be untouched throughout the centuries: though with fire and sword it be burnt down & shattered, yet an invisible house there standeth, and shall stand until the fall of the Great Equinox; when Hrumachis shall arise and the double-wanded one assume my throne and place. Another prophet shall arise, and bring fresh fever from the skies; another woman shall awake the lust & worship of the Snake; another soul of God and beast shall mingle in the globed priest; another sacrifice shall stain the tomb; another king shall reign; and blessing no longer be poured to the Hawk-headed mystical Lord!

۳۴. ولی مکان مقدس تو باید در طول قرنها دست نخورده بماند: گرچه با آتش و شمشیر ویران شود و از هم بپاشد، با این وجود خانه ای نامرئی در آنجا برپاست و تا زوال اعتدالین کبیر برپا خواهد بود؛ وقتی هروماخیس و عصای مضاعف بر خواهد خواست و به سریر و محل من تظاهر خواهد کرد، پیغامبر دیگری بر خواهد خواست و تب دیگری از آسمانها خواهد آورد؛ زن دیگری شهوت و پرستش مار را بیدار خواهد کرد؛ روح دیگری از خدا و دیو دیگری در کاهن گوی شکل ممزوج خواهند شد؛ قربانی دیگری مقبره را لکه دار خواهد کرد؛ پادشاه دیگری حکم خواهد راند؛ و بیش از این برکت بر سرور قوش-سر نخواهد بارید!

35. The half of the word of Heru-ra-ha, called Hoor-pa-kraat and Ra-Hoor-Khu.

۳۵. نصف کلمه هر-را-ها، هور-پا-کرات و را-هور-خو نامیده می شود.

36. Then said the prophet unto the God:

۳۶. سپس پیغامبر به خدا گفت:

37.

I adore thee in the song-  
I am the Lord of Thebes, and I  
The inspired forth-speaker of Mentu;  
For me unveils the veiled sky,

<sup>1</sup> نقره یا طلا در معرض قرار بده.

The self-slain Ankh-af-na-khonsu  
Whose words are truth, I invoke, I greet  
Thy presence, O Ra-Hoor-Khuit!

Unity uttermost showed!  
I adore the might of thy breath,  
Supreme and terrible God,  
Who makest the gods and death  
To tremble before Thee-  
I, I adore thee!

Appear on the throne of Ra!  
Open the ways of the Khu!  
Lighten the ways of the Ka!  
The ways of the Khabs run through  
To stir me or still me!  
Aum! Let it fill me!

۳۷

من تو را در سرود [زیر] ستایش می کنم:  
من سرور تیس هستم، و من  
سخنگوی ملهم منتو هستم؛  
برای من حجاب آسمان پوشیده را بر می دارد،  
انخ-اف-نا-خنسو ی خود گذشته،  
که کلماتش حقیقت است، طلب می کنم، خوشامد می گویم  
حضورت را، ای را-هور-خوت!

حد اعلی وحدت نمود یافت!  
من قدرت نفست را ستایش می کنم،  
خدای اعلی و ترسناک،  
که خدایان و مرگ را آفریدی  
تا در برابر تو به رعشه در آیند-  
من، من تو را می ستایم!

بر سریر را پدیدار شو!  
راههای خو را باز کن!  
راههای کا را منور کن!  
راههای خابز از میان می گذرند  
تا مرا به جنبش در آورند یا راکد کنند!  
آم! بگذار مرا آکنده کند!

38. So that thy light is in me; & its red flame is as a sword in my hand to  
push thy order. There is a secret door that I shall make to establish thy way in all the  
quarters, (these are the adorations, as thou hast written), as it is said:

The light is mine; its rays consume  
Me: I have made a secret door  
Into the House of Ra and Tum

Of Khephra and of Ahathoor.  
I am thy Theban, O Mentu,  
The prophet Ankh-af-na-khonsu!

By Bes-na-Maut my breast I beat;  
By wise Ta-Nech I weave my spell.  
Show thy star-splendour, O Nuit!  
Bid me within thine House to dwell,  
O winged snake of light, Hadit!  
Abide with me, Ra-Hoor-Khuit!

۳۸. بدین سو نور تو در من است؛ و بارقه قرمز آن همانند شمشیری در دست من برای اجرای فرمان توست. این دری سری است که برای برپا کردن راه تو در همه چارک ها خواهم ساخت، (اینها ستایش ها هستند، همانطور که تو نوشته ای)، چنان که گفته شده:

نور از آن من است؛ انوارش  
مرا تحلیل می دهند: دری سری ساخته ام  
در خانه را و توم  
از خفرا و اهشور  
من اهل تیس هستم، ای منتو  
انخ-اف-نا-خنسو ی پیغامبر

بابس-نامات سینه ام را شلاق می زنی؛  
بوسیله تانخ دانا و ردم را درست می کنم.  
جلال ستاره ای خود را نشان بده، ای نوت!  
به من امر کن تا در خانه ات سکنی گزینم،  
ای مار بالدار نور، هدیت!  
با من ایستادگی کن، را-هور-خوت!

39. All this and a book to say how thou didst come hither and a reproduction of this ink and paper for ever - for in it is the word secret & not only in the English - and thy comment upon this the Book of the Law shall be printed beautifully in red ink and black upon beautiful paper made by hand; and to each man and woman that thou meetest, were it but to dine and drink at them, it is the Law to give. Then they shall chance to abide in this bliss or no; it is no odds. Do this quickly!

۳۹. تمام این [ها] و یک کتاب برای بازگویی چگونگی آمدن تو به اینجا و بازسازی همیشگی این کاغذ و جوهر - چراکه در این، کلمه رمز قرار دارد و نه فقط به انگلیسی - و توضیحات تو بر این کتاب شریعت، بایست به زیبایی روی کاغذ دست سازی زیبا با جوهر قرمز و سیاه چاپ شود؛ و به هر مرد و زنی که ملاقات می کنی [داده شود]، که خوراک و آشامیدنی آنها باشد، این شریعتی است برای ارایه کردن. سپس آنها انتخاب خواهند کرد که در این سعادت سکنی گزینند یا خیر؛ این احتمالی قابل پیش بینی نیست. این را به سرعت انجام بده!

40. But the work of the comment? That is easy; and Hadit burning in thy heart shall make swift and secure thy pen.

۴۰. اما کار توضیحات؟ ساده است؛ و هدیت سوزان در قلب تو، قلمت را چابک و ایمن خواهد گردانید.

41. Establish at thy Kaaba a clerk-house: all must be done well and with business way.

۴۱. در کعبه ات دفترخانه ای بنا کن: همه اینها باید به خوبی و به طریق بنگاهی انجام گیرد.

42. The ordeals thou shalt oversee thyself, save only the blind ones. Refuse none, but thou shalt know and destroy the traitors. I am Ra-Hoor-Khuit; and I am powerful to protect my servant. Success is thy proof: argue not; convert not; talk not overmuch! Them that seek to entrap thee, to overthrow thee, them attack without pity or quarter; & destroy them utterly. Swift as a trodden serpent turn and strike! Be thou yet deadlier than he! Drag down their souls to awful torment: laugh at their fear: spit upon them!

۴۲. خودت باید به اردالی‌ها سرکشی کنی، به غیر از کورکورانه‌ها. از هیچ کدام امتناع نکن، بلکه تو باید خائنین را بشناسی و نابود کنی. من را-هور-خوت هستم؛ و برای حفاظت از خادمم قدرتمندم. موفقیت گواه توست: بحث مکن؛ تغییر مده؛ و بیش از حد حرف نزن! به آنها که می‌کوشند تو را به دام اندازند [یا] سرنگون کنند، بدون حس ترحم یا بخشش حمله کن؛ و آنها را کاملاً نابود کن. چابک همانند ماری لگد شده برگرد و ضربه بزن! از آن‌هم حتی مرگبارتر باش! ارواحشان را به عذابی مهیب بکشان: به ترسشهان بخند: بر آنان تف بیانداز!

43. Let the Scarlet Woman beware! If pity and compassion and tenderness visit her heart; if she leave my work to toy with old sweetnesses; then shall my vengeance be known. I will slay me her child: I will alienate her heart; I will cast her out form men; as a shrinking and despised harlot shall she crawl through dusk wet streets, and die cold and an-hungered.

۴۳. بگذار زن مخملی بداند! اگر دلسوزی و رحم و ملاحظه در قلبش رسوخ کنند؛ اگر کار مرا به قصد بازی با حلاوت‌های قدیمی‌ها کند؛ آنگاه انتقام من شناخته خواهد شد. فرزند او را به قتل خواهم رسانید: قلبش را بیگانه می‌کنم؛ او را از میان مردم بیرون می‌اندازم؛ به صورت فاحشه‌ای چروکیده و حقیر در میان تاریک و روشن خیابانهای نم‌دار خواهد خزید، و در سرما و گرسنگی خواهد مرد.

44. But let her raise herself in pride! Let her follow me in my way! Let her work the work of wickedness! Let her kill her heart! Let her be loud and adulterous! Let her be covered with jewels, and rich garments, and let her be shameless before all men!

۴۴. ولی بگذار با غرور سر برافرازد! بگذار در راهم از من پیروی کند! بگذار کار شرارت را انجام دهد! بگذار قلبش را بکشد! بگذار پرچلوه و زناکار باشد! بگذار با جواهرات، و جامه‌های گرانبها پوشیده باشد، و بگذار در برابر همه مردان بی‌شرم باشد!

45. Then will I lift her to pinnacles of power: then will I breed from her a child mightier than all the kings of the earth. I will fill her with joy: with my force shall she see & strike at the worship of Nu: she shall achieve Hadit.

۴۵. آنگاه من او را به منتهی‌درجه قدرت می‌رسانم: سپس فرزندی قدرتمندتر از همه پادشاهان زمین از او تولید خواهم کرد. او را از لذت پر خواهم کرد: با نیروی من او پرستش‌نو را خواهد دید و پیدا خواهد کرد: او به هدیت خواهد رسید.

46. I am the warrior Lord of the Forties: the Eighties cower before me & are abased. I will bring you to victory & joy: I will be at your arms at battle & ye shall delight to slay. Success is your proof, courage is your armour; go on, go on, in my strength; & ye shall turn not back for any!

۴۶. من جنگاور سرور چهل‌ها هستم: هشت‌ها در برابرم [به خواری] زانو می‌زنند و حقیر می‌شوند. من برای شما پیروزی و لذت خواهم آورد: در جنگ در بازوان شما خواهم بود و شما از کشتن لذت خواهید برد. موفقیت گواه شماست، شجاعت جوشن شماست؛ به پیش روید، به پیش روید، در گروی قدرت من، و به خاطر هیچ چیز روی بر نخواهید گردانید.

47. This book shall be translated into all tongues: but always with the original in the writing of the Beast; for in the chance shape of the letters and their position to one another: in these are mysteries that no Beast shall divine. Let him not seek to try: but one cometh after him, whence I say not, who shall discover the Key of it all. Then this line drawn is a key: then this circle squared in its failure is a key also. And Abrahadabra. It shall be his child & that strangely. Let him not seek after this; for thereby alone can he

fall from it.

۴۷. این کتاب به همه زبانها ترجمه خواهد شد: ولی همیشه به همراه نوشته اصلی دیو<sup>۱</sup>؛ چرا که در مجال شکل حروف و موقعیت آنها نسبت به یکدیگر رازهایی هست که دیو آنها را درک نخواهد کرد. بگذار برای یافتن آنها کوشش کند: ولی شخصی بعد از او می آید<sup>۲</sup>، که نمی گویم، که کلید تمام آن را کشف خواهد کرد. حال این خط کشیده شده یک کلید است: سپس این دایره تربیع شده در ناکامیش نیز یک کلید است. و *آبر/هاد/بر/ا*. آن باید فرزند وی و آن به طرزی عجیب باشد. بگذار به دنبال این نگردد؛ چرا که بدان سو به تنهایی از آن به در خواهد رفت.
48. Now this mystery of the letters is done, and I want to go on to the holier place.
۴۸. حال این سر حروف به پایان رسیده است، و من می خواهم [سخن خود را] به مکانی مقدس تر ادامه دهم.
49. I am in a secret fourfold word, the blasphemy against all gods of men.
۴۹. من در واژه چهارجانبه ای رمزی هستم، تکفیر در برابر همه خدایان مردمان.
50. Curse them! Curse them! Curse them!
۵۰. لعنت بر آنان! لعنت بر آنان! لعنت بر آنان!
51. With my Hawk's head I peck at the eyes of Jesus as he hangs upon the cross.
۵۱. با سر قوش<sup>۳</sup> ماندم به چشم های عیسی که بر صلیب آویخته است نوک می زدم.<sup>۴</sup>
52. I flap my wings in the face of Mohammed & blind him.
۵۲. بالهایم را به صورت محمد می زدم و کورش می کنم.<sup>۵</sup>
53. With my claws I tear out the flesh of the Indian and the Buddhist, Mongol and Din.
۵۳. با چنگالهایم گوشت هندی و بودایی، مغول و دین<sup>۶</sup> را پاره پاره می کنم.
54. Bahlasti! Ompehda! I spit on your crapulous creeds.
۵۴. بهلستی! /مقد! بر کیشهای ناخوش شما نف می اندازم.
55. Let Mary inviolate be torn upon wheels: for her sake let all chaste women be utterly despised among you!
۵۵. بگذار مصون-مریم روی چرخها تکه تکه شود: بگذار به خاطر وی همه زنان عقیف در میان شما کاملاً حقیر شوند.
56. Also for beauty's sake and loves!
۵۶. همچنین به خاطر زیبایی و عشقها!
57. Despise also all cowards; professional soldiers who dare not fight, but play; all fools despise!
۵۷. همچنین همه بزدلان را تحقیر کن؛ سربازان حرفه ای که جرات جنگیدن ندارند، بلکه بازی می کنند؛ همه احقران را حقیر کن!

<sup>۱</sup> دست نوشته این کتاب نیز موجود می باشد.

<sup>۲</sup> شخص یاد شده Frater Achad می باشد. به Liber 31 مراجعه کنید. م.

<sup>۳</sup> سر خدای مصری «هروس» (Horus یا همان Ra-Hoor-Khuit) به شکل قوش می باشد. م.

<sup>۴</sup> [توضیح آلیستر کراولی]: در اینجا جمله مشخص *هر/ر-ا/ها* را به این «خدایان» یا پیغمبران مشاهده می کنیم. هر چند که آنان نمایانگر مغ های گذشته هستند، نفرین رتبه آنها باید ایشان را از پای در آورد. بنابراین این چشمان «عیسی» - نقطه نظر وی - می باشند که باید نابود شوند؛ و این نقطه نظر به علت وضعیت جادویی خود قربانی گری وی اشتباه است. کسی نباید حتی برای یک لحظه فکر کند که این آیه صحت تاریخی «عیسی» را تایید می کند. «عیسی» یک انسان نیست و هرگز نبوده. بلکه او یک «خدا» بود، همانطور که کیه ای از لباسهای زنده و یک قوطی حلبی چراغ نفتی روی یک بته ممکن است یک «خدا» باشد. چیزی که ما «مسیح» می نامیم ایده ای ساخته ذهن بشر است که بخش اعظم آن در اثر غفلت، ترس و زبونی بوجود آمده است و گاه به گاه با نمایشهایی از پاکانسیم و یهودیت سر برآورده است. موضوع «عیسی» متأسفانه بعلت گستردهگی در این توضیح نمی گنجد و به طور کامل در کتاب ۸۸۸ من بحث شده است.

<sup>۵</sup> [توضیح آلیستر کراولی]: دیدگاه محمد نیز غلط است؛ ولی وی نیازمند چنان تصحیح تندی مانند «عیسی» نیست. این صورت اوست- نمود بیرونی وی- که باید با بالهای او پوشیده شود. اگر انگاره های اسلامی به درستی تعبیر شوند آنچنان دور از سیاق زندگی و نور و آزادی نیستند. این بخصوص در مورد انگاره های رمزی مصداق دارد. صورت بیرونی [این] کیش، صرفاً بی معنی است و مطابق با درک و فهم افرادی است که [این دین] در میانشان انتشار یافت؛ ولی با این وجود اسلام در [جنبه] عمل، منحصر به فرد است. فرامین آن در ارتباط با مرد شجاعت و صداقت و احترام به خود است و به طرز تحسین برانگیزی با فروتنیهای چاپلوسانه بزدلیهای احمال گر و ملعون مسیحیان مغایر است که مدافعین اعمال غیر انسانی و نادرست قربانی کردن نیابتی هستند و از خود تلقی پستی همانند «در گناه زاده شده»، «گناه کاران تیره بخت» و «بدون هیچ شفایی در خود» دارند.

<sup>۶</sup> [توضیح آلیستر کراولی]: مذهب یهودی

58. But the keen and the proud, the royal and the lofty; ye are brothers.  
۵۸. ولی مشتاق و مغرور، شاهانه و ارجمند هستید شما برادران.
59. As brothers fight ye!  
۵۹. همانطور که برادرانی که با شما می جنگند!
60. There is no law beyond Do what thou wilt.  
۶۰. شریعتی فرای چنان کن آنچه خواهی نبُود.
61. There is an end of the word of the God enthroned in Ra's seat, lightening the girders of the soul.  
۶۱. سخن پایانی خدا که بر مسند ر/ نشسته است، و چارچوبهای روح را منور می کند چنین است.
62. To Me do you reverence! to me come ye through tribulation of ordeal which is bliss.  
۶۲. به من حرمت گذارید! از طریق محنت اردالی ها که برکت می باشند به سوی من آیید.
63. The fool readeth this Book of the Law, and its comment; & he understandeth it not.  
۶۳. احمق این کتاب شریعت، و توضیحاتش<sup>۱</sup> را؛ می خواند و نمی فهمد.
64. Let him come through the first ordeal, & it will be to him as silver.  
۶۴. بگذار از طریق اولین اردالی بیاید، و در نظر او همانند نقره خواهد بود.
65. Through the second, gold.  
۶۵. از طریق دوم، طلا.
66. Through the third, stones of precious water.  
۶۶. از طریق سوم، سنگهای آب گرانبها.
67. Through the fourth, ultimate sparks of the intimate fire.  
۶۷. از طریق چهارم، غایت بارقه های آتش محرم.
68. Yet to all it shall seem beautiful. Its enemies who say not so, are mere liars.  
۶۸. همچنان این در نظر همگان زیبا خواهد رسید. دشمنان آن که می گویند چنین نیست، دروغگویان محض هستند.
69. There is success.  
۶۹. موفقیت وجود دارد.
70. I am the Hawk-Headed Lord of Silence & of Strength; my nemyss shrouds the night-blue sky.  
۷۰. من سرور قوش سر سکوت و قدرتم. کلام پوشاننده آسمان آبی شب است.
71. Hail! ye twin warriors about the pillars of the world! for your time is nigh at hand.  
۷۱. درود! شما جنگاوران دوقلوی اطراف ارکان جهان! چرا که زمان شما نزدیک، در دسترس است.
72. I am the Lord of the Double Wand of Power; the wand of the force of Coph Nia - but my left hand is empty, for I have crushed an Universe & nought remains.  
۷۲. من سرور عصای مضاعف قدرتم؛ عصای قدرت کف نیا - ولی دست چپ من خالی است، چرا که من گیتی ای را خرد کرده ام و هیچ باقی مانده است.
73. Paste the sheets from right to left and from top to bottom: then behold!  
۷۳. برگ ها را از راست به چپ و از بالا به پایین بچسبان: سپس آگاه باش!
74. There is a splendour in my name hidden and glorious, as the sun of midnight is ever the sun.  
۷۴. جلال و عظمتی پنهان در نام من است، همانطور که خورشید نیمه شب همیشه خورشید است.
75. The ending of the words is the Word Abrahadabra.  
۷۵. پایان کلمات کلمه آبر/هاد/ابرا است.

The Book of the Law is Written  
and Concealed.

<sup>1</sup> منظور توضیحاتی است که آلیستر کراولی بر این کتاب منتشر کرده است.

Aum. Ha.

کتاب شریعت نوشته  
و پنهان شده است .  
اوم. ها .

## ضمیمه ۱ - لوح افشاء



لوح افشاء (که به آن لوح ۶۶۶ نیز می گویند) بوسیله آلیستر کراولی و همسرش رز در موزه بولاک<sup>۱</sup> در ۱۸ مارس ۱۹۰۴ قاهره پیدا شد. رز دو روز قبل از آن پیغام «آنان منتظر تو هستند» را دریافت می کرد که ادعا می کرد این پیغام از هورس<sup>۲</sup> است. وقتی آلیستر او را به موزه برد تا گوینده پیغام را به او نشان دهد، او در نهایت روی این لوح ساده مراسم تدفین متوقف شد. چیزی که کروالی را تکان داد این بود که آن بدون شک نشان دهنده هورس بود و شماره تابلوی نمایشگاه بالای آن ۶۶۶ بود، شماره ای که او قویا خود را با آن می شناخت. کشف لوح افشاء قدم مهمی در وقایعی بود که منجر به نوشتن کتاب شریعت شد.

لوح افشاء بوسیله یک موبد مصری خدای منتو<sup>۳</sup> به نام انخ-ف-ن-خنسو (یعنی او در خنسو زندگی می کند) درست شده بود، که در سلسله بیست و ششم (حدود ۷۲۵ ق.م.) در تبس زندگی می کرد. این یک لوح تدفین است که برای مراسم مرگ وی درست شده بود. چوبی است، پوشیده از گچ است و در دو طرف آن نقاشی شده است. بالای آن به صورت مدور درست شده و ابعاد آن ۵/۵۱ در ۳۱ سانتی متر است.

## روی لوح

روی لوح شامل اشکال زیر است:

نوت: به صورت خمیده در بالای لوح وجود دارد. او الهه آسمان شب است.  
هدیت: صفحه گرد بالدار، که در کتیبه با عبارت «خدای بزرگ، سرور آسمان» اشاره شده است.  
هروس: خدای خورشیدی قوش-سر، نشسته بر تختش. در کتیبه آمده: «را-هور-خوت، سالار خدایان»

انخ-ف-ن-خنسو در پیشگاه هروس ایستاده است. کتیبه در مورد او می گوید: «کشیش<sup>۴</sup> در گذشته منتو، سرور تبس، توجیه شده ای که در های آسمان بر او در کارناک باز هستند، انخ-ف-ن-خنسو.»  
در محراب، که شامل پیشکشی ها است، نان، شراب، احشام و ماکیان نشان داده شده است.

<sup>1</sup> Boulaq Museum

<sup>2</sup> Horus

<sup>3</sup> Mentu

<sup>4</sup> priest